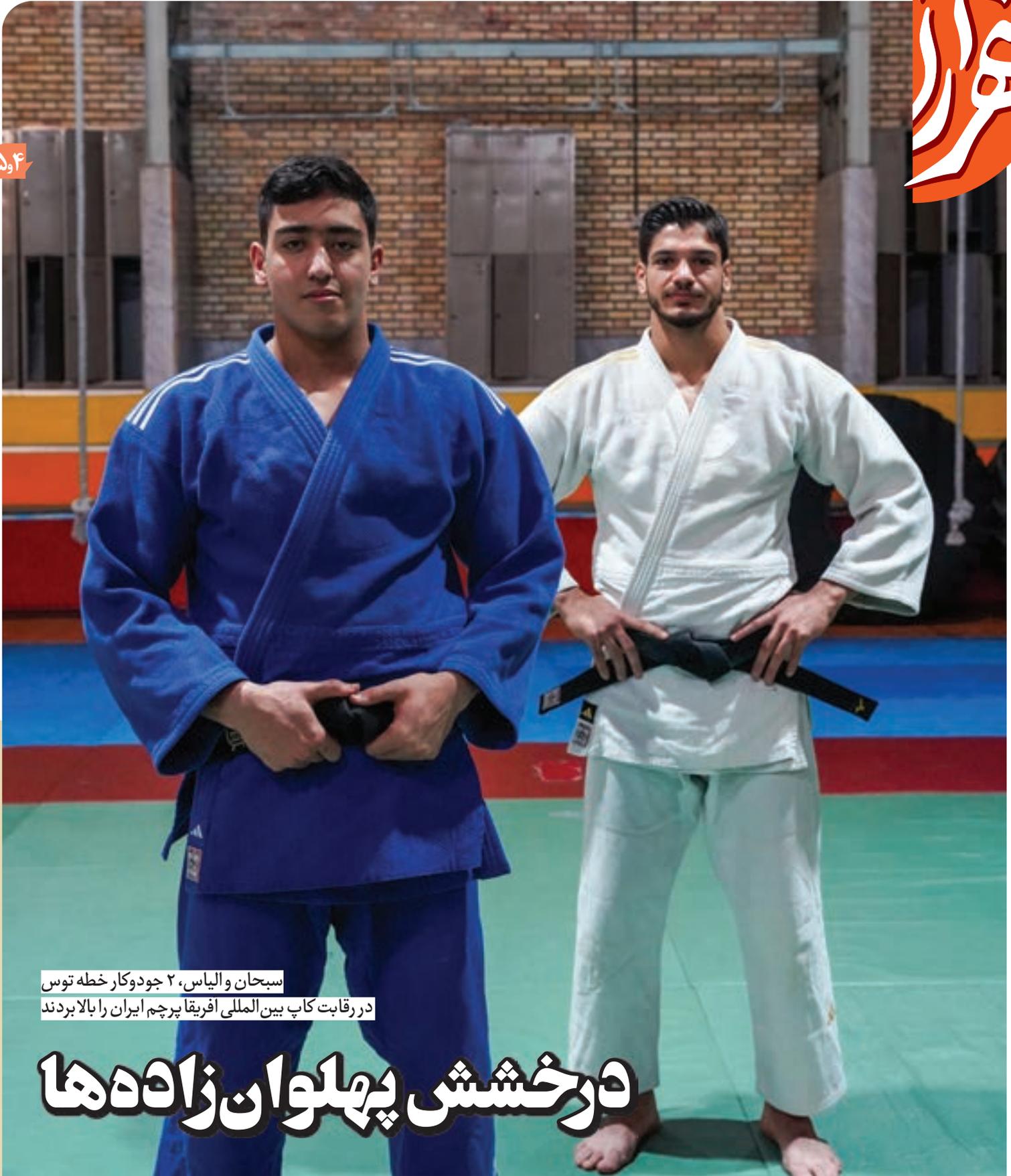




۵۴



سبحان والیاس، ۲ جودوکار خطه توس در رقابت کاپ بین المللی افریقا پرچم ایران را بالا بردند

درخشش پهلوان زاده‌ها

عکس: نرجس شاکری/شهرآرا

افتتاح مجموعه ورزشی شهدای چهاربرج، ثمره همراهی مالکان محلی و همت شهرداری منطقه ۱۲ است

۳ **خداحافظی بچه‌های توس با زمین‌های خاکی**

فرهنگ سرای مادر و کودک به دغدغه همیشگی بانوان پاسخ داده است

۷ **مادران، مشغول آموزش بچه‌ها سرگرم بازی**

خاطرات ساکن قدیمی دانش آموز از سال‌های شکل‌گیری مجله در دهه پیش **دل خوش به چراغ خانه‌ها بودیم**

۶



شما می‌توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۳۶۰۶۷۲۶۰۱ در پیام‌رسان اینستاگرام بفرستید.

شما چه خبر

اهالی محله دانش آموز، بفرمایید افطار

اهالی مسجد حضرت سکینه (س)، مانند سال‌های گذشته بساط سفره افطار را برای نمازگزاران پهن کرده‌اند. رمضان ۱۴۰۵، پنجمین ماه رمضان پیاپی است که سفره افطاری ساده‌ای در این مسجد پهن می‌شود تا اهالی محله دانش آموز، مهمان این فضای پربرکت شوند. خیران و فعالان محلی از یک ماه قبل برنامه‌ریزی‌ها و خریدهای مربوط به سی شب ماه مبارک را انجام داده‌اند. خادمان سفره هر شب نیز تعیین شده‌اند تا مراسم به بهترین نحو برپا شود. با اقدام اهالی مسجدی، هر شب بیش از ۱۵ نفر پس از برپایی نماز جماعت پای سفره افطار می‌نشینند.



بچه‌های سیدرضی پشت فرمان

بهشتی‌اکودکان و نونهالان محله سیدرضی، رانندگی و آشنایی با علائم ترافیکی را برای اولین بار در فضایی ایمن تجربه کردند. همت اعضای شورای اجتماعی محله سیدرضی و مدیران دبستان‌های این محدوده سبب شد تعدادی از کودکان و نونهالان در مسیر ویژه رانندگی داخل فرهنگ سرای شهر ترافیک حاضر شوند و پشت فرمان ماشین‌های برقی ویژه کودکان بنشینند. بیش از شصت کودک محله ما این تجربه شیرین را کسب کردند و در خلال برنامه با ما فهمیم ترافیکی نظیر چراغ‌های راهنمایی و رانندگی، احترام به حقوق عابران پیاده، تابلوهای راهنما و شیوه‌های عبور ایمن از خیابان آشنا شدند.



مادران در کلاس فرزندان

مادران دانش‌آموزان دبیرستان پسرانه معراج، به جای فرزندان خود در کلاس درس نشستند. تادوره‌های ارتباط با فرزندان آموزش ببینند. این جلسات با ابتکار مدیران این مدرسه دایر شده است و در گام اول بیش از نود مادر در کلاس‌ها حاضر می‌شوند و در گام دوم از پدران دعوت می‌شود. کلاس‌های ارتباط با فرزندان مدرسه معراج بعد از شیفیت دانش‌آموزان آغاز می‌شود و موضوعات درسه جلسه جمع‌بندی خواهد شد. با توجه به اینکه پسران دبیرستانی در سن حساسی هستند و خطر آسیب‌های اجتماعی برای آن‌ها وجود دارد، مربیان این دوره سعی می‌کنند زمینه ارتباط نزدیک والدین و فرزندان را مهیا کنند تا شناسایی نیازهای نسل جدید برای پدران و مادران تسهیل شود.



مهربانی اهالی دانشجو در ماه مبارک

نیوکوکاران محله دانشجو، با آغاز ماه مبارک رمضان، بساط کار خیر را برای کمک به نیازمندان مهیا کردند. این اقدام انسان‌دوستانه با محوریت مسجد امیرالمؤمنین (ع) انجام شد و به این ترتیب بسته‌های غذایی برای کمک به نیازمندان تهیه شد. با اجرای این طرح، حدود شصت بسته غذایی شامل رب، روغن، گوشت، برنج و حبوبات تهیه و توزیع شد.

سالن ورزشی منطقه ۱۱، یکی از میزبانان مسابقات جام رمضان امسال است

ضیافت فوتسالی در «گلسا»



هم‌زمان با آغاز ماه مبارک، مسابقات فوتسال پنج‌گیمین المپیاد ورزشی رمضان مشهد در سالن گلسای محله دانشجو آغاز شد.

این مجموعه به عنوان یکی از سالن‌های منتخب شهر، میزبان رقابت بزرگ فوتسالی شهر است و در این سالن ۳۲ تیم با یکدیگر رقابت می‌کنند.

مصطفی یزدان پناه که سرپرست یکی از تیم‌های شرکت‌کننده است، می‌گوید: مارقابت اول را بردیم. مسابقات خیلی جذاب است؛ هم تعداد تیم‌ها زیاد است و هم حضور هواداران و هم محلی‌ها خوب است.

سامان کیان مهر هم که به عنوان بازیکن، در شب‌های آغازین به سالن قدم گذاشته است، می‌گوید: بازی‌ها خیلی پرهیجان است. تیم‌ها قوی هستند و خوش شانس بودیم که توانستیم ثبت نام را کامل کنیم. تیم قهرمان این سالن در دهه سوم ماه مبارک رمضان معرفی خواهد شد و سهمیه حضور در رقابت نهایی در سالن شهید بهشتی را کسب خواهد کرد.

مهمان افطار ساده اهالی منطقه ما باشید

پویش افطاری ساده مردمی، برای دومین سال پیاپی در نقاط مختلف منطقه ۱۱ برقرار شده است. این برنامه با مشارکت گروه‌های مردمی آغاز شده است و شهروندان مهمان یک لیوان چای همراه نان و پنیر و خرما می‌شوند. این پویش در ایستگاه مترو کوثر، مسجد امام علی (ع)، پارک ملت و بوستان چهل بازه شکل گرفته است.

پرشدن چاله‌های محله دانشجو

به همت اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۱۱، لکه‌گیری آسفالت خیابان قائم مقام فراهانی و معابر فرعی آن در محله دانشجو انجام شد. این پروژه عمرانی ظرف چهار روز و در بیش از سی نقطه اجرایی شد تا در مجموع حدود نهصد مترمربع سطح معابر، با آسفالت جدید، نونوار شود.

رنگ و روی گاردریل‌های وکیل آباد باز شد

در راستای اقدامات استقبال از بهار ۱۴۰۵، گاردریل‌های بولوار وکیل آباد که بین مسیر مترو و سواره‌رواست، رنگ‌آمیزی شد. این اقدام به همت نیروهای پاکبان اداره خدمات شهری و در مسیر حدود ۰۵ کیلومتر اجرایی شد. بخشی از گاردریل‌های مسیر نیز که در آشوب‌های دی ماه آسیب دیده بودند، مرمت و نوسازی شدند.

شهر خبر



افتتاح مجموعه ورزشی شهدای چهاربرج، ثمره همراهی مالکان محلی و همت شهرداری منطقه ۱۲ است

خدا حافظی بچه‌های توس با زمین‌های خاکی



زهرا زنگنه دو سال و دو ماه قبل، انتشار یک خبر، خنده را بر لب اهالی توس نشان داد و ذوق را در دل کوچک بچه‌های این محدوده تاریخی نشان داد؛ پس از پیگیری‌های زیاد بالاخره کلنگ احداث بزرگ‌ترین مجموعه ورزشی روباز توس زده شد. این اقدام، نتیجه رویکرد مثبت مدیریت شهری در این محدوده از منطقه ۱۲ بود که با پیگیری شهرآرامحله اهالی و همراهی معتمدان و خیران محلی رقم خورد. با وجود تعلل و به تأخیر افتادن چند مرحله‌ای تکمیل این فضای ورزشی، در نهایت ۲۸ بهمن امسال، مجموعه ورزشی شهدای چهاربرج به بهره‌برداری رسید و اکنون شهروندان، هم از این اتفاق خرسند هستند و هم امید دارند به توسعه همه زیرساخت‌های این محدوده شهری.

ورزش و نشاط در مجموعه یک هکتاری

پس از اسفالت معابر توس در سال‌های اخیر و توسعه فضای پیرامون آرامگاه فردوسی، تکمیل مجموعه ورزشی شهدای چهاربرج بهترین اتفاقی بود که می‌شد برای اهالی توس رقم زد. حالا با افتتاح این فضا، کودکان، نوجوانان و بزرگسالان، یک مجموعه ورزشی کامل را در اختیار دارند.

شهردار منطقه ۱۲ درباره این فضای گوید: مجموعه ورزشی روباز شهدای چهاربرج با اعتبار بیش از ۲۰ میلیارد تومان افتتاح شد.



مهدی خداشناس ادامه می‌دهد: این پروژه به عنوان بزرگ‌ترین مجموعه ورزشی محدوده توس، نقش مهمی در توسعه سرانه ورزشی و خدمات شهری منطقه دارد. در دوره ششم شورای اسلامی شهر و مدیریت شهری، توفیق حاصل شد در محدوده‌ای که به نام حکیم ابوالقاسم فردوسی مزین است، پروژه‌ها و اقدامات مؤثری آغاز و اجرا شود. مجموعه ورزشی روباز شهدای چهاربرج،

با مساحتی بالغ بر ۱۱ هزار مترمربع، می‌تواند نقش مهمی در ارتقای نشاط اجتماعی در این بخش داشته باشد. خداشناس اضافه می‌کند: مجموعه ورزشی شهدای چهاربرج شامل دو زمین فوتبال چمن مصنوعی، یک زمین والیبال، یک زمین بسکتبال، یک زمین اسکیت، یک زمین فوتبال گل کوچک، پارکینگ، دفتر مجموعه و سرویس بهداشتی است.

میراث ناب زارعین چهاربرج

ساخت مجموعه ورزشی شهدای چهاربرج در قطعه زمین بزرگ شاهنامه ۶۴، به نوعی توجه به هویت ورزشی این محدوده نیز هست؛ زیرا بیش از سه دهه قبل این فضا، زمینی خاکی و محل بازی فوتبال جوانان توس بود و برای خیلی از قدیمی‌ترها خاطره‌انگیز است. مالکان آن زمین بزرگ حدود پانزده سال قبل تصمیم گرفتند این زمین را به مجموعه مدیریت شهری هبه کنند تا مجموعه ورزشی فعلی شکل بگیرد. سید عباس رضوی، هماهنگ‌کننده مالکان زمین، می‌گوید: این زمین ۱۱۰ مالک داشت که همه از زارعین چهاربرج بودند و از گذشته برای ورزش جوانان در این زمین استقبال می‌کردند تا حدود پانزده سال قبل که تصمیم گرفتند زمین را اول به دهیاری و در ادامه به شهرداری واگذار کنند و قدم اول را برای ایجاد یک مجموعه ورزشی خوب در این محدوده بردارند.

رضوی می‌گوید: خدا را شکر آن اقدام مردمی و انسان دوستانه الان برای محله ما به ثمر نشسته و یک فضای آبرومند و زیبا شکل گرفته است. الان بعضی از مالکان در قید حیات نیستند ولی میراثی از خودشان به جا گذاشتند که تا همیشه یک کار ناب و ارزشمند است.

همه گروه‌ها، پای کار توسعه توس

شهرآرامحله در مدت دوازده ساله الحاق توس به محدوده شهری، همواره پیگیر مطالبات اهالی بوده است. در همین راستا ۲۴ خرداد سال گذشته و بیستم فروردین امسال نیز موضوع را کد بودن پروژه ورزشی شهدای چهاربرج را پیگیری کردیم تا مسئولان به قول خود وفادار بمانند. پیش از این نیز در چند مرحله کمبود فضای بازی و ورزش را در توس با مدیران شهری در میان گذاشته بودیم و خوشبختانه حالا پیگیری‌ها در این زمینه به نتیجه رسیده است.

محمود بیگدلی، از اهالی توس، می‌گوید: همه گروه‌ها، از خود مردم گرفته تا رسانه‌ها و شهرداری به حد توان خود، خوب پای کار

بودند و این موضوع نشان داد اگر همکاری بین دستگاهی و مردمی شکل بگیرد، می‌توان قدم‌های اساسی برای مردم و آبادی شهر برداشت. او ادامه می‌دهد: مجموعه شهدای چهاربرج که در هفته گذشته افتتاح شد، بخش عمده نیاز مردم توس به یک فضای ورزشی را برطرف می‌کند. موضوع مهم‌تر این است که روند توسعه زیرساخت‌ها در توس به مرحله خوبی رسیده است و هنوز هم ادامه دارد و این اتفاقات برای اهالی این محدوده شهر امیدوارکننده است.

خوشحالی اولین فوتبالیست‌های زمین

نوجوانان توس که پیش از این برای بازی فوتبال یا والیبال مهمان زمین‌های خاکی ورها شده توس بودند، حالا خوشحال‌ترین افراد توس هستند؛ مثل امیرعلی حسینی نسب که می‌گوید: دو سال بود هر وقت از خیابان شاهنامه ۶۴ رد می‌شدیم، می‌آمدیم نگاه می‌کردیم که این زمین کارش به کجا رسیده است. حالا هم که افتتاح شده است، خیلی خوشحالی‌م و در روز افتتاحیه هم به عنوان اولین گروه در زمین چمن مصنوعی فوتبال بازی کردیم و خیلی کیف داد.

با یکی دیگر از اهالی که صحبت می‌کنیم، بیش از هر چیزی از خوشحالی بچه‌ها خرسند است. رضا تقوایی می‌گوید: در همین یک هفته، چندین گروه رادیده‌ام که وقتی نوبت زمان فوتبالشان است، با خوشحالی به سمت زمین می‌روند. واقعا هم از مالکان زمین ممنونیم و هم از شهرداری. به نظرم همین زمین ورزشی می‌تواند محل برگزاری مسابقات شهرستان و استان باشد و مردم را به توس بکشاند تا ظرفیت‌های اینجا را ببینند.

در مراسم افتتاح این مجموعه ورزشی و پس از آن برخی شهروندان از نبود گود کشتی با چوخه در این مجموعه گلایه داشتند. روح‌الله انتظامی، از اهالی محله فردوسی که خودش از کشتی‌گیران با چوخه است، می‌گوید: به نظرم جادداشت در زمین به این بزرگی که توجهی هم به ورزش کهن توس می‌شد و گود کشتی با چوخه تعبیه می‌شد تا این ورزش بومی ما حفظ شود.

محمد سالار، رئیس ناحیه منفصل توس شهرداری منطقه ۱۲، در این باره پاسخ داد: برنامه‌ای در این خصوص برای مجموعه ورزشی چهاربرج در نظر گرفته نشده است. ضمن اینکه مایک گود به نام فردوسی در توس داریم که می‌تواند در آینده برای توسعه و تجهیز آن اقدام کرد.





۱۲ سبحان و الیاس، ۲ جودوکار خطه توس، در رقابت کاپ بین‌المللی آفریقا پرچم ایران را بالا بردند

درخشش پهلوان زاده‌ها

طلا در رده جوانان و نقره در رده نوجوانان کاپ بین‌المللی آفریقا در کشور تونس، نام ایران، مشهد و محله فردوسی را بار دیگر بر سر زبان‌ها انداختند؛ افتخاری که نه تنها برای خانواده‌های این دو پهلوان و قهرمان ورزشی، که برای همه اهالی توس، شیرین، غرور آفرین و مایه مباهات شد.

خطه توس که از گذشته‌های دور تا امروز، پهلوانان نام‌آور بسیاری را به خود دیده است، این بار با مدال آوری جوانانش، الیاس پرهیزگار و سبحان حکیمی، برگ زرینی دیگر به دفتر افتخاراتش افزوده شد. الیاس و سبحان، دو جودوکار با استعداد تیم ملی کشورمان، هفته اول بهمن ۱۴۰۴، به ترتیب با کسب مدال‌های

فاطمه سیرجانی در محله فردوسی که نامش با شکوه ابوالقاسم فردوسی گره خورده است، افتخار آفرینی جوانان در آوردگاه‌های ورزشی، یک سنت دیرینه است؛ سنتی که نسل به نسل، گشته و هربار با نامی تازه و با چهره‌ای جدید و مدال‌هایی درخشان، جانی دوباره گرفته است.



آن، درس احترام، رفاقت، مردانگی و جنگیدن برای رسیدن به هدف را می‌آموزد. نزدیکی ورزش جودو و مربیگری پدر و البته امکان حضور در میادین بین‌المللی، زمینه جذب او به سمت این ورزش رزمی را فراهم کرد.

الیاس با اینکه ۲۱ سال بیشتر ندارد، بیش از یک دهه است که روی تشک جودو و در گود کشتی با چوچه می‌جنگد. دوران نوجوانی، جوانی و اکنون بزرگسالی‌اش را در رشته ورزشی جودو در کنار تیم ملی گذرانده و هربار با مدالی تازه، دل مردم محله‌اش را شاد کرده است. باین حال، الیاس از تعریف کردن درباره خودش پرهیز دارد. او با همان تواضع و فروتنی خاصی که دارد، می‌گوید: راهی رفته‌ام، که خیلی از مردان این خطه رفته‌اند. تمرین برای رسیدن به پهلوانی را از گود محله زندگی‌ام، فردوسی، شروع کرده‌ام و این یکی از بزرگ‌ترین افتخارات ورزشی من است. هنوز هم با وجود پوشیدن پیراهن تیم ملی، بی‌خیال این رقابت‌ها نمی‌شوم و کیف می‌کنم که با بچه‌های محله سرشاخ شوم. برای او، کسب مدال رقابت‌های آسیایی در دو سال اخیر و قهرمانی کاپ بین‌المللی آفریقا تنها آغاز راه است و رؤیای بزرگش، ایستادن روی سکوی المپیک و بالابردن پرچم ایران، رؤیایی که با تلاش و پشتکارش، دست یافتنی‌تر از همیشه به نظر می‌رسد.

بی‌خیال گود فردوسی نمی‌شوم



متن گفت‌وگوی قبل
شهرآرامند محله با
الیاس پرهیزگار و پدرش

جایای بهروز پاطلابی

الیاس پرهیزگار، ملی پوش جوان جودوکار، برای اهالی محله فردوسی، تنها یک ورزشکار نیست. او نماد تلاش، پشتکار و غیرت یک جوان ایرانی است. نامش برای مردم محله، یادآور روزهایی است که کودکی لاغر اندام با جسارت زیاد، پایه پای مردان بزرگ‌تر از خودش در گود کشتی با چوچه می‌چرخید و از همان روزها تمرین پهلوانی و مشق جوانمردی می‌کرد. الیاس در خانواده‌ای پهلوان پرور بزرگ شده است؛ خانواده‌ای که سال‌هاست پشت در پشت، خاک گود کشتی با چوچه را با افتخار به دوش می‌کشند. بهروز پرهیزگار، پدر الیاس معروف به «بهروز پاطلابی»، از نام‌آوران کشتی با چوچه است و روزگاری عضو تیم ملی جودو بوده و از مدال آوران این رشته ورزشی در سطح بین‌المللی است. حضور پدر و برادر بزرگ‌ترش، علی که هردو عضو تیم ملی جودو بودند به عنوان مربی در کنار الیاس، نقش پررنگی در موفقیت‌های ورزشی امروز او دارد. همین مهم، مسیر زندگی الیاس را از دوران کودکی برای جذب به سمت ورزش آبا و اجدادی، روشن تر و هدفش را جدی‌تر کرده بود. الیاس از همان روزهایی که تازه راه رفتن را آموخته بود، در کنار پدر، برادر، عمو و دیگر مردان فامیل در گود کشتی فردوسی در محله حاضر می‌شد. گود برای الیاس نوجوان هم فقط زمین خاکی نبود؛ مدرسه‌ای بود که در



صد خودم را در میدان می‌گذارم

سبحان حکیمی، نوجوان شانزده ساله، یکی از اهالی محله فردوسی، اصالتاً از روستای گوارشک است. او یکی دیگر از ستاره‌های نوظهور جودوی ایران زمین است که سه هفته قبل، در کنار الیاس در کاپ بین‌المللی آفریقا درخشید. نوجوانی که ورود به دنیای ورزش قهرمانی را با عشق به کشتی با چوچه آغاز کرد و امروز نامش میان قهرمانان نوجوان رشته جودو کشور خوش می‌درخشد. سبحان نیز مانند بسیاری از پسران محله فردوسی، در گود کشتی با چوچه قد کشیده و بزرگ شده است؛ جایی که جمعه‌ها مردان محله در میان شور و هیجان تماشاگران به کشتی می‌پردازند و پسران کوچک، هیجان زده از تماشای آن صحنه‌ها و تشویق‌های هادرم زمین‌های خاکی بیرون گود با هم دست به یقه می‌شدند و مشق کشتی می‌کردند. همان روزها بود که جرقه عشق به مبارزه در دل سبحان زده شد؛ عشقی که بعدها او را به سمت رشته رزمی جودو کشاند. سبحان فقط سه سال است که جودو را به صورت حرفه‌ای آغاز کرده است. اما در همین مدت کوتاه، مسیر پیشرفتش چنان سریع و چشمگیر بوده که مربیانش او را یکی از استعداد‌های آینده دار این رشته می‌دانند. سبحان که چندین مدال طلا از جمله طلای رقابت‌های نوجوانان آسیایی ۲۰۲۵ اردن را در کوله افتخارات ورزشی‌اش دارد، در مسابقات کاپ آفریقا که

در کشور تونس برگزار شد، مدال نقره در رده نوجوانان را به دست آورد. او با چهره‌ای خندان و چشمانی پراز امید به آینده می‌گوید: در میدان مبارزه، یک اشتباه کوچک می‌تواند همه چیز را تغییر دهد و همه آرزو‌ها را به باد دهد. اما نباید جازد و ناامید شد. همیشه در میدان مبارزه یکی می‌برد و یکی می‌بازد. مهم این است با آمادگی کامل به میدان بروی و صد خودت را برای پیروزی و شادی دل مردمی که چشم به بازی تو دارند، به کار بگیری تا دست پراز زمین مبارزه بیرون بیایی.

بچه‌ای که ماهی افتخار روستا شد

پدر سبحان، آقا اسدا... از پهلوانان نام‌آور گود کشتی با چوچه است. عمویش، داوود حکیمی، هم از پهلوانان نام‌آور جودو در سطح بین‌المللی، نخستین مربی و مشوقش بوده است. سبحان از روزهایی می‌گوید که برای تمرین، با وجود کمبود امکانات، با اتوبوس به شهرک امام هادی (ع) می‌رفت؛ روزهایی که سختی مسیر، انگیزه‌اش را بیشتر می‌کرد. نه کمتر. تا اینکه بالاخره تلاش‌های او نتیجه داد و با کسب مقام‌های استانی و کشوری، نامش در میان نوجوانان جودو مطرح شد. سپس در انتخابی تیم ملی، به عنوان یکی از دو کاندیدای اصلی وزن ۸۱ کیلوگرم معرفی شد. با تمرینات فشرده و انگیزه‌ای که مربیانش در او ایجاد کردند، بالاخره توانست به آرزویش که عضویت در تیم ملی جودو بود، برسد. حضور در چهار مسابقه برون مرزی و کسب مدال‌های طلا و نقره، کارنامه‌ای درخشان برای این نوجوان گوارشکی ساخته است؛ کارنامه‌ای که برای او و محله فردوسی و مردم روستای گوارشک، سند افتخار است.





و... به باشگاه ورزشی در خوربات تجهیزاتی کامل نیاز دارد. از جمله تشک تا تامی استاندارد که بارها بامستولان مطرح و از سوی آنان وعده های شیرینی داده شد. اما در عمل کاری انجام نگرفت و وعده هادر حد حرف ماند.

آقایالیاس: به استعدادها و ظرفیت های محله فردوسی اشاره کرد. من می خواهم از کمبود های ورزشی زادگاهم گوارشک بگویم. از گود کشتی روستا که برای خیلی از مردم روستا و ما جوان ترها پرخاطره است. اما شش سالی می شود که تقریباً تعطیل است. نبود باشگاه مختص جودو و یک خلأ است و ورزشکاران این رشته از جمله خود من مجبور به رفتن به باشگاه هایی بیرون از بافت روستا یا حتی محله فردوسی هستیم.

اگر یک روز در این ورزش به مرحله ای برسید که نامتان در دنیای جودو پراوازه شود، آیا در محله فردوسی می مانید؟

الیاس: بدون تردید اگر حتی قهرمان جهان شوم و در جودو و ورزش به هرچه آرزویم است. برسم باز هم اولویت اول و آخرم برای زندگی و کار. زادگاهم خواهد بود. این خطه پهلووان پرور، همیشه برای من عزیز است و خواهد بود.

سبحان: من هم زادگاهم و مردمش را دوست دارم؛ مردمانی اصیل، بامرام و خونگرم که نعمت هستند. تا الان هرچه دارم از خانواده و مردمی است که با محبت و تشویق ها به حضور پررنگ تر در میادین ورزشی دلگرم می کنند.

تا الان در چند مسابقه برون مرزی شرکت کرده و چه تعداد مدال داشته اید؟

الیاس: من از سیزده سالگی در رده های نونهالان، نوجوانان و جوانان عضو تیم ملی بوده ام و الان هم در تیم بزرگ سالان عضو تیم هستم. حساب سفرهای برون مرزی و مدال ها از دستم خارج است. راستش این مدال ها و قهرمانی ها زیاد به چشم من نمی آید؛ آرزوی قلبی من، حضور در المپیک و قهرمانی در آن سطح است.

سبحان: حضور در چهار کشور بحرین، کره شمالی، تونس و مراکش و کسب در مجموع چهارده مدال طلا، نقره و برنز حاصل سه سال حضورم در مسابقات رده نوجوانان است.

از آخرین سفرتان، خاطره ای تعریف کنید.

الیاس: من و سبحان هر دو در وزن منفی ۸۱ کیلوگرم در رده بزرگ سالان و نوجوانان در مسابقات کاپ آفریقای ۲۰۲۵ شرکت می کردیم. من شش هفت کیلویی اضافه وزن داشتم. طبق جدول بازی هادوروز وقت داشتم برای کاهش وزن. کم خوری و ورزش سنگین در باشگاه هتل اقامت کمی سخت بود. استرس زیادی داشتم. اما بالاخره توانستم شب قبل مسابقه، وزنم را به ۸۰ کیلو برسانم.

سبحان: خاطره من هم به همان کنترل وزنم برمی گردد. موقع رفتن، تیم بزرگ سالان دو قسمت شده بودند؛ گروه اول تیم بزرگ سالان جلوتر از ما عازم شدند. الیاس با گروه نوجوانان افتاده بود و ما با هم بودیم. الیاس که هم محله ای بود، تجربه اش برای حضور در مسابقات بیشتر بود. او حسابی حواسش به من بود که خورد و خوراکم در مسیر سفر کنترل شود؛ چون اولین مسابقه فردای صبح رسیدنم برگزار می شد و فرصتی برای کم کردن وزن نبود.

شیرین ترین خاطره مشترکتان از رقابت های کاپ آفریقا چیست؟

الیاس: این خاطره، نه فقط برای ما دونفر، که برای کل تیم اعزامی و مربیان و همراهان، شیرین بود؛ خاطره دست پر برگشتن بازیکنان اعزامی در این رقابت ها. که آن هم بعد چهار سال رکود و تعلیق تیم ملی جودوی کشورمان و دوری از این مسابقات به دست آمد.

چرا رشته کشتی باجوچه را که ورزشی اصیل میان خراسانی هاست، ادامه ندادید؟

الیاس: کشتی باجوچه، ورزش خاص مردم خراسان به ویژه خراسان رضوی و شمالی است. این ورزش ریشه ای کهن دارد و در محله ما، فردوسی، یکی از تفریحات مردان از قدیم تا همین الان، جمع شدن در گود کشتی محله و برپایی مسابقه و حریف طلبیدن در روز جمعه است. اشکال این ورزش بومی، محلی بودن آن است و بالاترین سطح حضور رقابت در آن، کشوری است و تمام.

سبحان: فنون ورزش کشتی باجوچه و جودو بسیار به هم شبیه است. اما تا سافانه در سطح بین المللی شناخته شده نیست. در حالی که در ورزش جودو که شباهت بسیار با کشتی باجوچه دارد، یک جودوکار می تواند تا مرحله المپیک در میادین رقابت جهانی حاضر شود.

نخستین حضور جدی تان در مسابقات جودو از چه سنی و در چه رده ای بود؟

الیاس: اولین مسابقه جدی ام در رده سنی نونهالان در وزن ۲۴ کیلوگرم بود. در آن مسابقات تا مرحله فینال، همه حریف ها را پشت سر گذاشتم اما در مرحله فینال باختم. در آن رقابت با اینکه همه دوست و آشناها از جمله مربی که پدرم بود، برای رسیدن به مرحله فینال خوشحال بودند، برای خودم، اولین باخت خیلی سنگین بود و اشک می ریختم.

سبحان: نخستین مسابقه جدی که در آن شرکت کردم، سیزده ساله بودم. مسابقات بین باشگاهی بود و در سالن شهید اصغر دهقان محله شهید آوینی برگزار می شد. اولین حضورم در مسابقات بود و استرس داشتم. اما بعد از اولین برد، چنان اعتماد به نفسی پیدا کردم که یکی یکی بر حریف ها پیروز شدم و مجوز شرکت در مسابقات کشوری را دریافت کردم.

از سختی های ورزش حرفه ای و قهرمانی بگویید.

الیاس: کسی که می خواهد ورزش حرفه ای و قهرمانی را دنبال کرده و برای خودش، خانواده و کشورش افتخار کسب کند، از روال زندگی عادی خارج می شود. باشگاه، حضور در مسابقات، اردوهای سنگین و... روال زندگی یک ورزشکار را از شکل عادی خارج می کند. الان من و سبحان بعد از مسابقات کاپ آفریقا برای مدت کوتاهی به زادگاهمان برگشته ایم و دو روز دیگر باید برای حضور در تیم ملی به تهران برویم. این اردوها حدود ۲۵ روز طول می کشد. ما یاداراد و هستیم یا برای حضور در مسابقات در سفر. حتی وقتی برای استراحت به شهرمان برمی گردیم، از تمرین و باشگاه نباید غافل شویم. با این توصیفات، می بینید برای داشتن یک زندگی عادی و درس و کار و... زمان چندانی نمی ماند. زندگی ما خلاصه شده است در تمرین و مسابقه و آمادگی جسمانی.

سبحان: شاید بتوان گفت بزرگ ترین ضربه ای که این حضور حرفه ای به زندگی یک ورزشکار می زند، علاوه بر مواردی که آقایالیاس گفت، عقب ماندگی های درسی است که گاه جبران ناپذیر است. برای مثال، من که در سال یازدهم تحصیلی درس می خوانم، تا این فصل از سال، فقط چند روز توانسته ام سر کلاس حاضر شوم؛ چون یادار مسابقه بوده ام یا در اردوی تیم ملی. اما سعی می کنم با مرور کتاب ها به صورت متفرقه، امتحانات را پشت سر بگذارم.

محله فردوسی به لحاظ امکانات، ظرفیت ها و استعداد های ورزشی، در چه جایگاهی قرار دارد؟

الیاس: منطقه شاهنامه پهلووان پرور است و استعداد های ورزشی بسیاری در هر سنی دارد. در سنین بالاتر، کشتی گیران باجوچه و در رده جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان، قهرمانان رشته های مختلف رزمی و ورزشی بسیارند. گود کشتی فردوسی، ظرفیتی خوب برای محله است. اما محله فردوسی با توجه به داشتن استعداد های فراوان در رشته های کشتی، جودو



خاطرات ساکن قدیمی دانش‌آموز، از سال‌های شکل‌گیری محله در ۴ دهه پیش

دل خوش به چراغ خانه‌ها بودیم



۱۱

ایستگاه اول

سیرجانی صدیقه یا حقی از ساکنان اولیه محله دانش‌آموز است و او اسط دهه ۶۰ همراه خانواده از فردوس به این محله آمده است. او از روزهایی یاد می‌کند که مسیر کنونی بولوار دانش‌آموز امکانات ابتدایی شهرنشینی از جمله آب و برق را نداشت و تعداد ساکنانش به اندازه انگشتان یک دست هم نمی‌رسید. در روزگاری که محله دانش‌آموز فاصله زیادی با مرکز شهر داشت و رفت و آمد به سختی انجام می‌شد، تهیه مایحتاج زندگی، خودش دغدغه‌ای بود. با وجود این، صدیقه خانم معتقد است از همان زمان به دلیل موقعیت جغرافیایی و آب و هوای این محدوده، مشخص بوده است که روزی این محله آباد می‌شود و به این واسطه خیلی از اهالی پای کمبودهای این محدوده ایستادند. با صدیقه خانم از این محدوده پر خاطره‌گذر کردیم.



جایی حوالی حاشیه وکیل آباد که هم سرسبز بود و هم یک مسجد کوچک داشت و الان خیابان دانش‌آموز یک است، تنها جایی بود که آب آشامیدنی پیدا می‌شد. ما زن‌ها برای شست و شوی ظرف و لباس، خودمان رابه اینجای رساندیم و پس از اینکه در صاف بودیم، با ظرف و لباس شسته و دبه‌های آب برمی‌گشتیم.

ایستگاه دوم

این جایی که الان چهارراه دانش‌آموز و ساختمان‌های چند طبقه است، تا چهل سال پیش خالی بود. در بهار منظره‌ای سرسبز زیبا داشت که دیدنش لذت بخش بود. چند چوپان از سمت قاسم‌آباد یا آخر وکیل‌آباد گوسفندان را برای چرا به اینجا می‌آوردند و بچه‌های ما هم از دیدن بره‌ها و بزغاله‌ها لذت می‌بردند.



ایستگاه سوم

یک کویتی زمینی مسجد محله را خرید و به همین دلیل مسجد به اسم این آقا، عمار یا سر، شد. زمانی که مسجد را می‌ساختند، چشم می‌کشیدیم کی تمام شود. از یک جایی به بعد صبر اهالی تمام شد و می‌رفتیم جلو مسجد یا وسط زمین آن برای نماز جماعت فرس پهن می‌کردیم.



ایستگاه چهارم

ایستگاه پنجم

وقتی خانه‌مان را می‌خواستیم بسازیم، شهرداری گفت باید ۲۵ متر عقب‌نشینی کنید. این قانون فقط برای کوچه دانش‌آموز ۱۷ اجرا شد. ما هم وقتی دیدیم پیاده‌رو وسیعی داریم، جلو خانه باغچه‌های بزرگی درست کردیم تا سرسبزی داشته باشیم. این درخت کاج را حدود ۳۵ سال پیش کاشتیم.



ایستگاه ششم

زهرآخانم رضایی پورا از همسایه‌های قدیمی محله است که یکی دو سال پس از ما به بولوار دانش‌آموز آمدند. اوایل که اینجا این قدر شلوغ نشده بود، دل خوشی ما به روشن بودن چراغ خانه‌ها و بودنمان در کنار هم بود.

تنها نانوایی محله ما نانوایی لوآش حسین آقانا می‌بود. آن نانوایی الان تعمیرگاه ماشین است. یک روز زمستان، گرگ و میش هوا، برای گرفتن نان به نانوایی رفتیم. وقت برگشت پشت تپه‌ای از دور یک گله دیدیم. وقتی صدای پارسشان بلند شد، متوجه شدم سگ هستند. با هول و هراس، نان‌ها را رها کردم و خودم را داخل خانه انداختم.



عکس: فاطمه سیرجانی/شهرآرا

فرهنگ سرای مادر و کودک، به دغدغه همیشگی بانوان پاسخ داده است

مادران، مشغول آموزش، بچه‌ها سرگرم بازی



مکان نما

پسرم، تیمام، در اکثر کلاس‌ها شرکت می‌کند. چند جای دیگر هم کلاس نقاشی و موسیقی و ورزشی رفته است. اما محیط فرهنگ سرا را بیشتر دوست دارد و وقتی وارد اینجای می‌شود، از نیمکت گرفته تا وسایل بازی و ورزشی و سرگرمی‌های پسنند. دلیلش هم این است که طراحی اینجا متناسب با روحیات بچه‌هاست. «
شعبانی در ادامه می‌گوید: الان که این فضا شناخته شده تر شده است، مخاطبان بیشتری می‌آیند و مربیان خوبی هم دارد ولی خیلی وقت‌ها، کارشناسان می‌گویند مشکل کمبود کلاس داریم. به نظرم اگر فضای کلاس‌ها اضافه شود، اینجا با توجه به اینکه کنار پارک است، می‌تواند خدمات بیشتری به شهروندان ارائه کند.

● **تربیت کودکان با آموزش‌های فرهنگ سرا**
سرفصل‌های آموزشی فرهنگ سرا ترافیک مورد تأیید مادران و کودکان است. نرگس که دختری ده ساله است، می‌گوید: من اینجا کلاس‌های مفیدی گذرانده‌ام ولی پویش‌های آموزشی را بیشتر دوست دارم؛ مثلاً روزهایی که کم‌آبی بود، جشن قطره خیلی خوب بود. یاد روزهای سرما، من روش‌های کاهش مصرف گاز را یاد گرفتم. زهره نوغانی هم درباره کلاس‌های فرهنگ سرا می‌گوید: بیشتر کلاس‌ها مناسب دو گروه است؛ یکی بانوان خانه‌دار که می‌توانند از خیاطی گرفته تا تزئین میوه و کیک و آشپزی رایاد بگیرند. مورد دیگر هم مناسب کودکان و مادران دغدغه‌مند است، چون در اینجا دوره‌های تربیتی، استعدادیابی، مهارت‌پروری یا نحوه تربیت کودک برگزار می‌شود که علاقه‌مندان بسیاری دارد.

مجموعه در مناسبت‌های مختلف دایر بوده است تا برنامه‌های شاد و تعاملی میان کودکان و مادران شکل بگیرد.

● **رفع دغدغه همیشگی مادران**

یکی از دغدغه‌های مهم مادران برای بهره‌مندی از کلاس‌های آموزشی، در فرهنگ سرای مادر و کودک برطرف شده است. مینا پهلوان که در سه هفته اخیر در دوره‌های آشپزی فرهنگ سرا حاضر شده است، می‌گوید: هم‌زمان با کلاس من در ساعت ۳، کلاس موسیقی دخترم، هلن، هم آغاز می‌شود. هم برای نگهداری فرزندم نگرانی ندارم و هم برای رفت و آمد راحتیم.
میترا شعبانی هم دیگر مادری است که درباره فضای فرهنگ سرا صحبت می‌کند: «ما وقتی به اینجای می‌آییم، خیلی خوشحالیم. من بعضی وقت‌ها در جلسات کتاب‌خوانی شرکت می‌کنم، ولی

زنگنه | بچه‌ها در طبقه پایین، قدم به کلاس می‌گذارند و مادران راهی طبقه بالا می‌شوند تا از آشپزی گرفته تا پخت کیک رایاد بگیرند. اینجا یک فضای آموزشی است که باب دل مادران است؛ آن‌ها می‌توانند در این فضا دوباره حال خوب نشستن سر کلاس را بعد از چند سال خانه‌داری یا رسیدگی به امور روزمره زندگی تکرار کنند. بدون آنکه نگران فرزندان خود باشند. فرهنگ سرای مادر و کودک از یک جهت، متفاوت‌ترین فرهنگ سرای شهر مشهد شناخته می‌شود؛ زیرا همیشه کودکان و مادران می‌توانند کنار یکدیگر راهی کلاس شوند و در یک زمان به آموزش و تربیت مشغول باشند.

● **بیش از ۱۰۰ عنوان کلاس در یک سال**

فرهنگ سرای تخصصی مادر و کودک سه سال قبل در بوستان مادر و کودک محله زیبا شهر به بهره‌برداری رسید. با گذشت زمان حالا یک سالی می‌شود این مجموعه از فضای تفریحی و ورزشی بوستان تفکیک شده است و فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی در حوزه مادر و کودک را پیش می‌برد. این مجموعه که در دو طبقه احداث شده است، به گونه‌ای طراحی شده که یک طبقه آن مناسب حضور کودکان باشد و یک طبقه به کلاس‌های مادران اختصاص یابد.
فعالیت روزانه فرهنگ سرای مادر و کودک از ساعت ۸ صبح آغاز می‌شود تا ساعت ۱۸ ادامه دارد. در این مجموعه، در یک سال اخیر بیش از صد عنوان کلاس ویژه دو گروه مخاطب منتخب برگزار شده است. علاوه بر آموزش، فضای فرهنگی



دختر هنرمند محله الهیه، با تولید اثر پویانمایی، مقام سوم جشنواره استانی را کسب کرده است

روایت حاج قاسم زیر پرچم سه‌رنگ

جشنواره فرهنگی هنری «امید فردا» در سال گذشته بوده است.

● **چه کار پویانمایی‌ای برای جشنواره تولید کردی؟**

تولید هنری من مربوط به زندگی شهید حاج قاسم سلیمانی بود.

● **ایده موضوع چگونه به ذهنت رسید؟**

نزدیک به سالگرد شهادت حاج قاسم بود و دیدم خیلی از دانش‌آموزان، کارهای ویدئوکست و پادکست تولید می‌کنند. به ذهنم آمد جای پویانمایی خالی است و این کار را آماده کردم.

● **سه‌رنگی که در انیمیشن از آن خیلی استفاده کردی، چه بود؟**

قهوه‌ای روشن، به دلیل اینکه حس روایت را به مخاطبان منتقل می‌کرد و سه‌رنگ پرچم هم چون هویت ما ایرانی‌هاست.

● **برای شروع یک پروژه انیمیشن جدید، نخستین مرحله ذهنی یا کاری تو چیست؟**

من همیشه برای آغاز پروژه از منابع معتبر مطالب مفید جمع‌آوری می‌کنم و این کار همیشه به من کمک کرده است.

● **اگر بخواهی یک اثر جدید تولید کنی، موضوع آن چیست؟**

امام زمان (عج)؛ من همیشه دلم می‌خواهد درباره مسئله ظهور، کاری انجام دهم و چون در این باره اطلاعات دارم، اثر بعدی خودم را به امید ظهور، برای امام زمان (عج) درست می‌کنم.



● **سختی‌ها و جزئیات این کار اذیت نمی‌کند؟**

به نظرم همه کارها و تولیدات هنری و گرافیکی، سختی خودش را دارد. من چون هنوز به طور حرفه‌ای و به عنوان یک شغل با این رشته درگیر نشده‌ام، از سختی آن هم اذیت نمی‌شوم و تفریحی کار می‌کنم. اما در کل، تحمل سختی‌ها و درگیر شدن با جزئیات به محصولی که در آخر کار تولید می‌شود، می‌ارزد.

● **اهل حضور در مسابقه هم هستی؟ بهترین مقام تا حالا چه بوده است؟**

من در مسابقات محلی و مدرسه هم شرکت کرده‌ام، اما بهترین افتخارم، سومی استان در

ریحانه فرخانی کافی است یک سوژه به ذهنش برسد. درباره آن مطالعه و تحقیق می‌کند و سپس برایش یک روایت می‌نویسد و چند روز آن را تبدیل به یک اثر پویانمایی می‌کند. دیانا جعفری در همین نونهالی، علاقه خودش را به دنیای گرافیک و پویانمایی یافته و در این مسیر، تولیدات موفقی داشته است. این دختر محله الهیه توانسته است در چهل و یکمین جشنواره فرهنگی هنری امید فردا، مقام سوم استانی را در بخش پویانمایی کسب کند.

● **علاقه تو به پویانمایی از کجا شروع شد؟**

معلم پرورشی مدرسه وقتی علاقه‌ام به دنیای کامپیوتر و هنر را دید، پویانمایی را به من معرفی کرد. من قبلاً کار ویدئوکست انجام داده بودم و وقتی با این فضا آشنا شدم، متوجه شدم که چه کارهای زیبا و با کیفیتی می‌توان تولید کرد و به سمتش رفتم.

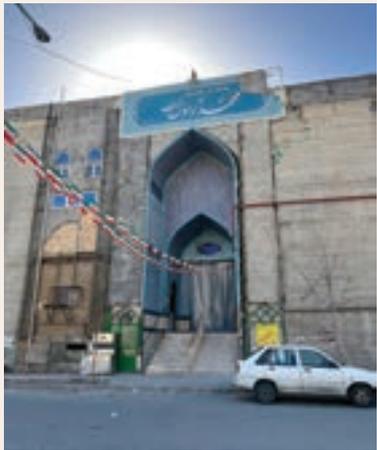
● **کار را چطور دنبال کردی؟**

با دیدن فیلم‌های آموزشی و کار با نرم‌افزارهای مختلف شروع کردم و چند اثر تولید کردم. از کار چند ثانیه‌ای تا چند دقیقه‌ای.

● **اولین اثری که در این سه سال تولید کرده‌ای، چه بوده است؟**

یک کار پویانمایی برای کودکان و صرفه جویی در مصرف آب که خیلی آن را دوست داشتم.





مسجد و حسینیه محمد رسول... (ص) سال ۱۳۹۰
در این کوچه پا گرفته و البته با گذشت این زمان از
بهره برداری مجموعه، هنوز بخشی از کارهای عمرانی
آن باقی مانده است. این مسجد در بخش فرهنگی
فعالیت‌های پررنگی داشته و در چند ماه اخیر، مؤسسه
فرهنگی، مدرسه قرآنی و آموزشگاه مشاغل رازاه اندازی
کرده است.

شهید محمد ابراهیم شاد مهر اهل بجنورد بود و
سال ۱۳۶۵، در بیست و پنج سالگی در ماهشهر به درجه
رفیع شهادت نائل آمد. حدود پنج سال قبل به واسطه
سکونت خانواده اش در این مسیر، نقویه ۲ رابه اسمش
نام‌گذاری کردند.



اول آبادانی، بعد سکونت

بهشتی نقویه ۲، معبری فرعی در محله رحمانیه است که از خیابان نقویه آغاز می‌شود و تا بولوار مهدیه
ادامه دارد. این کوچه به نام شهید محمد ابراهیم شاد مهر نام‌گذاری شده است. نکته جالب درباره
نقویه ۲ این است که بر عکس اغلب مسیرهای شهری، اول فضاهای خدماتی آن شکل گرفت و سپس از
آن سکونت در آن رونق یافت. به این ترتیب قبل از آغاز زندگی اهالی، مسجد و پارک و فضاهای عمومی
ایجاد شد و مراجعه‌کنندگان آن از معبرهای اطراف بودند و پس از آن بود که مجوزهای ساخت و ساز
این مسیر صادر شد.

خیابان نقویه ۲
محله رحمانیه

۱۲



به هر ضلعی از مسیر نقویه ۲ نگاهی بیندازیم،
متوجه ساخت و ساز در این مسیر می‌شویم.
با وجود این، یازده قطعه زمین رها شده در این
معبور دیده می‌شود که بزرگ‌ترین مشکل اهالی
است. به نحوی که گرد و خاک آن‌ها و تردد
سگ‌های ولگرد در این اراضی، نارضایتی مردم
رابه همراه دارد.

بوستان لاله، یکی از سه فضای سبز محله
رحمانیه، چهارده سال قبل احداث شد و اکنون به
واسطه زمین بازی کودکان و فضای سرسبز و درختان
بلندش، محوطه مورد علاقه اهالی در عصرهای
بهاری و تابستانی است.



رشد جمعیتی در محله الهیه و استقبال جوانان
از فضاهای ورزشی موجب پاگرفتن چهار باشگاه
ورزشی بوکس، بدن‌سازی، آمادگی جسمانی بانوان و
رزمی در نقویه ۲ شده است. شهرداری نیز در پنج سال
اخیر در پاگرفتن باشگاه بوکس و آمادگی جسمانی
بانوان مشارکت داشته است.